

ویژگی‌ها و کارکردهای موسسه‌های صرافی

مر تفضی والی نژاد



عده‌ای از صرافان در اغلب شهرهای ایران نمایندگانی داشتند و تقریباً در سراسر کشور فعالیت می‌کردند. افزون بر این، بعضی از موسسه‌ها که قدرت مالی و شهرت بیشتری داشتند، با گشایش حساب در بانک‌های بزرگ خارجی یا تعیین طرف در خارج و فرستادن نماینده به مراکز عمده تجارت، از قبیل شهرهای بمبئی، هنگ‌کنگ، ماری، پاریس، لندن، وین، مسکو، اودسا، بصره، بیروت، بغداد، اسلامبول، ترابوزان، عشق‌آباد، بادکوبه، هرات و... دایره عملیات خود را بیش از اسلافشان در بازارهای بین‌المللی توسعه داده و از یک سوی، واسطه ارتباط پولی و مالی و بازرگانی بین ملت‌های آسیای غربی و از دیگر سو، رابط میان این حوزه وسیع با جهان خارج بودند^(۶).

صرافان آن دوره را می‌توان از نظر حوزه عملیات به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱- صراف‌های فعال در یک منطقه کوچک و یا یک شهر؛
 - ۲- صراف‌های مشهور و فعال در سراسر کشور؛
 - ۳- موسسه‌های صرافی که حوزه فعالیت خود را گسترش داده و در خارج از مرزهای ملی و به‌ویژه در کشورهای همجوار نیز به عملیات صرافی مبادرت می‌ورزیدند^(۷).
- از مراکز عمده صرافی آن‌ایام می‌توان شهرهای تبریز، مشهد، تهران، اصفهان، شیراز و بوشهر را نام برد که هر یک، به‌ویژه تبریز و مشهد محل تجمع تعداد شایان توجهی از سرمایه‌داران بود که با سرمایه‌های فراوان، قسمت عمده کار صرافی ایران را تمهید می‌کردند. تبریز رابط بین ایران و اروپا و مشهد مرکز معاملات آسیای میانه و مناطق شرق ایران بود و امور مربوط به آسیای جنوبی نیز اغلب از طریق اصفهان و شیراز حل و فصل می‌شد^(۸). پراکندگی قدرت مالی و عدم تمرکز، از ویژگی‌های صرافی و بازار پول و سرمایه ایران در آن دوره بود. از یک سو، در شهرهای بزرگ عده زیادی به این کار اشتغال داشتند و میان آنان رقابت وجود داشت و از دیگر سو، کشور فاقد یک مرکز اصلی تجاری بود و ارتباط سریع هم بین مراکز مختلف موجود نبود و اغلب محاسبات ناگزیر با گذشتن از چند مرحله مختلف تصفیه می‌شد و این عدم تمرکز در صرافی یکی از علت‌های اختلاف فاحش نرخ تنزیل بروات در مراکز مختلف بود^(۹).

عملیات صراف‌ها بیش از پیش در فعالیت‌های بازرگانی متمرکز بود. هرچند که عده‌ای همچنان به مبادله پول‌های فلزی یا کارگشایی با وثیقه اموال منقول و غیرمنقول اشتغال داشتند، اما تنزیل بروات و تصفیه محاسبات تجار با مناطق مختلف داخلی و خارجی، فعالیت عمده و اصلی صراف را تشکیل می‌داد. هر تاجر با صراف معینی حساب داشت و محاسباتش به‌وسیله آن صراف نگاهداری و تصفیه می‌شد. تاجر هنگام خرید کالا اغلب بروات به وعده نسبتاً طولانی به عهده صراف خود صادر و

تا سال ۱۳۰۵ هـ ق / ۱۸۸۸ م، که بانک انگلیسی "بانک جدید شرق" در ایران تأسیس یافت، در کشور ما بانک وجود نداشت و پاره‌ای از عملیات بانکی توسط صرافان در مراکز اصلی شهری اداره می‌شد. صرافان، معاملات کوچک را در دست داشتند و تاجر بزرگ، معاملات عمده را انجام می‌دادند و انجام مبادلات با خارجی‌ها را نیز در دست داشتند. در آن دوره، صراف‌ها عمدتاً دو کار انجام می‌دادند:

- تبدیل پول و تشخیص مسکوک؛

- بانکداری برای مردم^(۱).

پیش از تأسیس بانک، صراف‌ها در اقتصاد کشور نقش حیاتی داشتند، زیرا بیشترین پول نقد یک شهر، در دست صراف‌های همان شهر بود. به دلیل مشکلات بسیار در حمل و نقل سکه‌ها و کمبود نقدینگی در گردش، بازرگانان برای اداره کارهای تجاری خود به صراف‌ها اتکا داشتند و هر بازرگان، صراف مخصوص به خود را داشت که امور مالی وی را سامان می‌داد. مسافران خارجی که به ایران می‌آمدند نیز از خدمات صرافان بهره می‌بردند، چرا که حمل مقادیر زیاد پول و مسکوک مخاطره‌آمیز بود^(۲).

ممنوعیت ربا در اسلام و شیوه برخورد صراف‌ها با این موضوع نیز دارای اهمیت بود، زیرا بیشتر صراف‌ها مسلمانانی بالیمان بودند که ناگزیر به یافتن راهی برای آشتی دادن حرفه و مذهب خویش بودند. با وجود این، برخی از بازرگانان در معاملات خود از ربا دوری نمی‌جستند^(۳).

از ابتدای فعالیت بانک‌های خارجی (شاهنشاهی و استقراضی)، تاجر و صراف‌ها به تشکیل آنها اعتراض داشتند. انگیزه بازرگانان و صرافان در مخالفت با این بانک‌ها بسیار و چندجانبه بود. آنها به درستی به مزایای داشتن بانک آگاه بودند و می‌خواستند که بانک توسط خودشان اداره شود نه توسط بیگانگان. اینها احساس می‌کردند که با شرایط وام‌ور تجاری کشور آشنایی بیشتری دارند و نیازهای کشور را بهتر از خارجی‌ان درک می‌کنند و از همه مهمتر، خود را حافظ منافع ملی می‌دانستند^(۴).

مقارن انجام عملیات بانکی توسط موسسه‌های اعتباری خارجی در کشور، موسسه‌های صرافی نیز که از دیرباز جزو لاینفک اقتصاد ایران بودند، به فعالیت بانکی اشتغال ورزیدند. اما در رویارویی با سازمان، تشکیلات و عملیات بانکداری بانک‌های استقراضی و شاهنشاهی، موفق به ایجاد تشکیلات منظم و منسجم که بتواند با بانک‌های خارجی رقابت نماید، نشدند.

در مراکز تجاری ایران صراف‌های متعددی فعالیت داشتند که محور عملیات آنها معاوضه پول و خرید و فروش برات بین شهرهای کشور بود. صراف‌هایی که دارای اعتبار بسیار بودند و اطمینان مردم نسبت به آنها فراوان بود، مبادرت به اعطای وام و دریافت سبده از مردم نیز می‌نمودند^(۵).

○ پیش از تأسیس بانک، صراف‌ها در اقتصاد کشور نقش حیاتی داشتند، زیرا بیشترین پول نقد یک شهر، در دست صراف‌های همان شهر بود.



به فروشنده تسلیم می‌کردند. دارنده برات قبل از سررسید موعد، در صورتی که وجه لازم داشت، آن را نزد صراف تزویل نموده، پهای کالای خود را دریافت می‌داشت. بدین ترتیب، صراف اعتباری را که گاه مدت آن تا پنج سال می‌رسید، به بازرگانان اعطا می‌کرد. معمولاً دریافت‌ها و پرداخت‌ها در شهرهای دور و نزدیک هم به وسیله صراف و با استفاده از برات انجام می‌گرفت. کارمزد اینگونه نقل و انتقالات، برحسب میزان عرضه و تقاضا و رقابت صراف‌ها متغیر بود.

از دیگر ویژگی‌های صرافی در آن دوره، رواج "بیجک" بود. بیجک عبارت از سندی بود که طرف ضمن آن وصول مبلغی را اعلام داشته و به وعده کوتاه یا اکثرأ عندالمطالبه تعهد پرداخت می‌نمود و معمولاً در برابر بروات تسلیمی تجار صادر می‌شد و برحسب میزان شهرت و اعتبار صراف، در بازار رواج می‌یافت^(۱۰). در مراکز پررونق بازرگانی، به ویژه در تبریز، اصفهان و شیراز بیجک از وسایل مهم پرداخت بود و قسمت عمده معاملات توسط آن انجام می‌گرفت. ابتدا بیجک به مبلغ‌های متفاوت نوشته می‌شد. به تدریج در شیراز و اصفهان بیجک‌هایی به ارزش متساوی به جریان گذاشته شد که در حکم اسکناس بود که بعدها به دلیل امتیاز انحصاری بانک شاهنشاهی در نشر اسکناس، ممنوع و متوقف گردید^(۱۱).

برای فعالیت صرافی در کشور، مقررات ویژه‌ای تدوین و تصویب نشده بود و صراف‌ها بدون دخالت و نظارت دولت، به صورت آزاد فعالیت می‌کردند^(۱۲).

مؤسسه‌های صرافی فعال در دوره قاجاریه

رونق تجارت موجب شد که فعالیت تجارخانه‌های معتبر ایرانی گسترش یابد و بازرگانان معتبری به صرافی و بانکداری روی آورند. تجار ایرانی که با بانک شاهنشاهی و استقراضی رقابت می‌کردند، در مقاطعی توانستند سد راه آنها شوند، اما به دلایل گوناگون مانند برخوردار نبودن از حمایت دولت، فقدان قوانین مدون بانکداری در ایران، نداشتن تخصص و بینش صحیح در بانکداری و سرمایه‌گذاری و پراکندگی مؤسسه‌ها از یکدیگر، دستاورد شایان توجهی نداشتند و پس از پاره‌ای موفقیت‌های نسبی و موقت، سرانجام در برابر بانک شاهنشاهی عقب نشستند^(۱۳).

از هنگامی که بانک جدید شوق، در ایران فعالیت خود را آغاز کرد، مؤسسه‌های صرافی داخلی نیز به تکاپو افتاده و کوشیدند تا وضع خود را از نظر بانکداری با مقتضیات زمان وفق دهند. افزون بر آن، تعدادی مؤسسه صرافی جدید نیز تشکیل یافت که به سهم خود در اقتصاد کشور موثر بودند و در تاریخ بانکداری ایران شأن و منزلتی کسب کردند^(۱۴).

مؤسسه تومانیانس، مؤسسه جهانیان و مؤسسه جمشیدیان از مؤسسه‌های پرازش و فعال در آن دوره بودند. فعالیت اصلی این مؤسسه‌ها در ابتدا بیشتر تجارت، خریدوفروش کالا، صادرات و واردات و... بود و برانر گسترش بازارها و سروکار پیدانمودن با پول‌های مختلف، با امانتداری و حسن شهرت، به

عملیات صرافی و بانکی هم مبادرت ورزیدند. این عملیات شامل نقل و انتقال سپرده‌های افراد در داخل کشور، افتتاح حساب جاری و پرداخت بهره به موجودی حساب‌ها، ایجاد اعتبارات کوتاه‌مدت، خریدوفروش بروات و اسناد تجاری و صدور بیجک و برقراری نمایندگی در شهرهای مهم داخلی و مراکز بازرگانی خارجی، به ویژه در کشورهای همجوار بود^(۱۵).

با وجود توسعه عملیات صرافی و بانکی، این موسسات از فعالیت‌های تجاری خود دست برنداشتند. بعضی از آنها برای کسب منفعت بیشتر به تاسیس کارخانجات تولیدی و استخراج معادن به منظور تهیه مواد صادراتی مبادرت کردند و برخی دیگر با استفاده از اعتبارات اعطایی بانک‌های استقراضی و شاهنشاهی ایران، به ملکداری و توسعه فعالیت‌های کشاورزی اقدام نمودند، بدون توجه به این مهم که اینگونه فعالیت‌ها با عملیات صحیح بانکی مغایر بوده و موجب نابودی آنها خواهد شد. در نتیجه، دیری نپایید که این مؤسسه‌ها یکی پس از دیگری به همین سرنوشت دچار شدند، بعضی بر اثر توسعه بیش از اندازه فعالیت‌های تولیدی و از دست دادن قدرت پرداخت و برخی بر اثر خودداری بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی از تمدید اعتبارات اعطایی، متوقف شدند و به فعالیت آنها خاتمه داده شد. همچنین، تعدادی از مؤسسه‌های صرافی مانند کمپانی فارس و شرکت اتحادیه از حدود کار خود تجاوز نمودند، اما در برابر فشار بانک‌های خارجی تاب مقاومت نیاوردند. صرافی‌های کوچک نیز رفته‌رفته یا با قبول نمایندگی بانک‌های خارجی در مناطقی که شعبه‌ای نداشتند، به فعالیت ادامه دادند و یا با ترک صرافی، به فعالیت دیگری پرداختند^(۱۶).

تجارخانه تومانیانس: تجارخانه تومانیانس، یکی از مهمترین مؤسسه‌های اقتصادی کشور بود که در رشته‌های گوناگون صادرات، واردات، ملکداری و به ویژه بانکداری اثر مهمی برجای نهاد. تومانیانس، نخستین تجارخانه کشور بود که به کار صرافی و بانکداری، به شکل وسیع و نوین آن روی آورد^(۱۷).

هاراتون تومانیانس در سال ۱۲۵۷ هـ ق مؤسسه تجاری خود را در تبریز - شهر پررونق تجاری آن زمان - تأسیس کرد و پس از برقراری صادرات و واردات با روسیه و چند سفر به این کشور و آشنایی با شیوه بانکداری آن، در سال ۱۸۹۱ م / ۱۳۰۹ هـ ق / ۱۲۷۰ هـ ش کار صرافی و بانکداری را آغاز کرد، که به تدریج به صورت فعالیت اصلی تجارخانه درآمد.

تومانیانس در ابتدا، تجارخانه کوچکی در تبریز و قراچه‌داغ داشت که نعل اسب، آهن آلات و سایر اجناس را وارد می‌کرد و خشکبار، ابریشم و... صادر می‌کرد. سپس چهار پسر وی تجارخانه تومانیانس را در تبریز تشکیل دادند و کار خود را منحصر به صدور مواد خام نمودند. موفقیتی که در تجارت نصیب آنها شد، موجب گردید که در شهرهای مهم آذربایجان و سپس در سایر نقاط مهم شمال کشور شعبه دایر کنند. رفته‌رفته در مقام تولید کالاهای صادراتی هم برآمدند و در آذربایجان، گیلان، مازندران، قزوین و... رأساً به تهیه پنبه، ابریشم و خشکبار پرداختند. سپس در اثر بروز جنگ‌های داخلی ایالات

○ قبل از فعال شدن بانک‌ها، شهرهای تبریز، مشهد، تهران، اصفهان، شیراز و بوشهر از مراکز عمده صرافی بودند. تبریز رابط بین ایران و اروپا، و مشهد مرکز معاملات آسیای میانه و مناطق شرقی ایران بود و امور مربوط به آسیای جنوبی هم اغلب از طریق اصفهان و شیراز حل و فصل می‌شد.



از جنبه اقتصادی، تجارتخانه تومانیانس را می‌توان به دو قسمت مجزا، یعنی قسمت روسیه و قسمت ایران تفکیک کرد. هرچند که امور این دو قسمت در ابتدا با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ داشت، اما پس از چندی، به‌ویژه در سال‌های پیش از جنگ جهانی اول، از نظر حسابداری و اقتصادی از یکدیگر جدا شدند، به گونه‌ای که پس از مدتی، نوع فعالیت‌های قسمت روسیه با فعالیت‌های قسمت ایران تفاوت یافت. تجارتخانه تومانیانس در روسیه سهام بعضی از شرکت‌های بزرگ را در اختیار داشت و نسبت به انجام معاملات در بورس نیز اقدام می‌نمود، حال آن که در ایران نوع فعالیت آن کیفیت دیگری داشت. در نتیجه این تجزیه، کارهای قسمت روسیه تابع اقتصاد آن کشور و کارهای قسمت ایران تابع ویژگی‌های اقتصادی این سرزمین گردید. با وجود این، برادران تومانیانس، به دفعات و در نامه‌های متعدد، خود را تبعه ایران دانسته و شعبه‌های تجارتخانه در شهرهای روسیه را تابع تهران اعلام نموده و خواستار بهره‌مندی از مزایای تابعیت ایران بودند^(۲۶).

با آن که قسمت عمده فعالیت تجارتخانه تومانیانس در ارتباط با روسیه بود، بین آن و بانک استقرای رقابتی وجود نداشت، زیرا بانک فاقد جنبه انتفاعی و موسسه تومانیانس فاقد جنبه سیاسی بود و خط مشی اقتصاد هر دو سازمان بسیار نزدیک و مشابه بود^(۲۷).

تجارتخانه تومانیانس در ایران در شهرهای تهران (مرکز) تبریز، رضاییه، رشت، بندرپهلوی، قزوین، مشهد، سبزواری و گرگان و در روسیه در شهرهای بادکوبه، حاجی‌ترخان و مسکو شعبه داشت و با بعضی از بانک‌های اروپای مرکزی و غربی هم در تماس بود و امور خود را در وین، برلن، پاریس، لندن و قسطنطنیه به‌وسیله آنها به انجام می‌رساند^(۲۸).

تجارتخانه تومانیانس که در برابر حوادث گوناگون مقاومت کرده، راه توسعه و ترقی را تقریباً طی یک سده پیموده بود، پس از جنگ جهانی اول، یکباره با بحرانی شدید روبرو شد. پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، تمام اموال موسسه تومانیانس در روسیه، که بالغ بر ۱۷ میلیون منات برآورد می‌شد، ضبط گردید. متعاقب آن، در ایران هم مردم سپرده‌های خود را مطالبه کردند و با این که دارایی موسسه بر بدهی‌هایش فزونی داشت، اما به علت عدم دسترسی به کلیه اموال و مشکلاتی که برای پرداخت موجود بود و همچنین، به علت استفاده رقباى دیرین از فرصت، این موسسه یکصدساله، علیرغم مساعدت‌های دولت، از پای درآمد و سپس حکم توقف آن صادر شد^(۲۹).

تجارتخانه جهانیان: تجارتخانه جهان یا جهانیان، در سال ۱۸۹۵ م / ۱۳۱۲ هـ ق / ۱۲۷۴ هـ ش، توسط پنج برادر زرتشتی به نام‌های خسرو، پرویز، گودرز، رستم و بهرام شاه جهان که از ملاکان یزد بودند، در آن شهر تأسیس شد. این تجارتخانه، در ابتدا در کار صدور پنبه بود و پس از رونق تجارت و ازدیاد ثروت، وارد امور صرافی و بانکی هم شد. تجارتخانه جهانیان در شهرهای یزد، اصفهان، شیراز، کرمان، بندرعباس و رفسنجان و در بمبئی و لندن نمایندگی داشت^(۳۰).

شرکت جهانیان از راه کشاورزی به سوی تجارت و صرافی

متحده آمریکا - بزرگترین تولیدکننده پنبه - بهای این کالا ترقی فاحش کرد و در نتیجه، سود سرشاری به این تجارتخانه، که فعالیت عمده‌اش تهیه و صدور پنبه بود، عاید شد^(۱۸).

تجارتخانه تومانیانس به‌زودی در حاج‌ترخان، مسکو و بادکوبه هم شعبه دایر کرد و کارخانه‌هایی را برای پاک‌کردن برنج، پنبه و... در روسیه تأسیس نمود تا اجناس صادره از ایران را در آن کارخانه‌ها با سلیقه مشتریان روسی منطبق سازد^(۱۹). از آنجا که برادران تومانیانس تجارت باروسیه را وجهه فعالیت خود قرار داده بودند، لذا برای تسهیل امور، دو تن از ایشان در باکو اقامت‌گزیدند و تابعیت دولت روسیه را پذیرفتند و دو تن دیگر در تهران و تبریز به کارهای رسیدگی می‌کردند. بدین ترتیب اعضای خانواده تومانیانس تابعیت دو ملت ایران و روسیه را داشتند^(۲۰). اشتغال برادران تومانیانس به تجارت خارجی و سروکاری که با پول‌های مختلف و تبدیل آنها به یکدیگر داشتند، موجب ورود آنان به فعالیت صرافی شد. صرافی از رشته‌های پرسود در ایران بود و در نتیجه، از این کار نیز منافع سرشاری عاید آنان شد و رفتم گرفته موسسه تومانیانس به یک بانک مبدل گردید، هرچند که فعالیت‌های دیگر نیز ادامه داشت و در عمل توسعه کار صرافی، تدریجاً سایر امور را تحت الشعاع خود قرار داد، به گونه‌ای که از حدود سال ۱۲۷۰ هـ ش قسمت عمده فعالیت شرکت متوجه امور بانکی شد^(۲۱).

موسسه تومانیانس برای مشتریان خود حساب جاری افتتاح می‌کرد تا شش درصد به موجودی این حساب‌ها بهره می‌پرداخت. این بهره قابل ملاحظه سبب توجه خاص مردم به گشایش حساب در این تجارتخانه و از عوامل موثر توفیق برادران تومانیانس به رقابت با سایر موسسات شد و در نتیجه افزایش سپرده‌های جاری، تجارتخانه توانست اعتبارات وسیعی را به مشتریان خود اعطا نماید و بیش از پیش در اقتصاد کشور سهیم شود^(۲۲).

تجارت نقره هم از جمله فعالیت‌هایی بود که برای موسسه سود سرشاری داشت، زیرا در آن هنگام قیمت نقره در ایران نسبت به طلا گرانتر از مراکز بین‌المللی بود و برای صادرات و واردات فلزات قیمتی محدودیتی وجود نداشت. در نتیجه، بعضی از موسسات، از جمله تجارتخانه تومانیانس، با وارد کردن نقره و صادر کردن طلا منافع سرشاری را به دست آوردند^(۲۳).

سپس امور بانکداری تجارتخانه تومانیانس به سرعت رونق گرفت و در مدت کوتاهی موسسه تومانیانس توانست با بانک‌های مقتدری که در ایران فعالیت داشتند، هم‌پوش شود و به‌ویژه در خرید و فروش ارز با بانک شاهنشاهی به‌شدت به رقابت بپردازد^(۲۴).

پس از آن که فعالیت تجارتخانه تومانیانس در امور بانکداری رونق یافت، دست به عملیات جدید زد و در حالی که همچنان به کار صادرات و بانکداری ادامه می‌داد، به استخراج چند معدن از جمله مس و زغال‌سنگ و گوگرد، و تأسیس چند کارخانه برای پاک‌کردن پنبه و خشک‌کردن میوه و امثال آن پرداخت و دو بهره‌برداری از شیلات شمال نیز مشارکت جست. بدین ترتیب، تجارتخانه تومانیانس، پیش از جنگ جهانی اول، قدرت بسزایی یافت و یکی از موسسات معتبر کشور شد^(۲۵).

○ از هنگامی که بانک جدید شرق، در ایران فعالیت خود را آغاز کرد، موسسه‌های صرافی داخلی هم به تکاپو افتادند تا وضع خود را از نظر بانکداری با مقتضیات زمان وفق دهند.

○ موسسه تومانیانس، موسسه جهانیان و موسسه جمشیدیان از موسسه‌های صرافی فعالی بودند که نامشان در تاریخ مبادلات پولی کشور ثبت شده است.



متوجه گشت و در تمام دوره فعالیت، کارهای بازرگانی اش با امور کشاورزی ارتباط نزدیک داشت. پس از آن که فعالیت‌های تجاری شرکت توسعه یافت، برادران جهانیان به امور صرافی هم پرداختند. مهمترین کار صرافی شرکت جهانیان عبارت بود از پذیرش سپرده و وجوه نقدی اشخاص در برابر بیجک صندوق (قبض عندالمطالبه)، نقل و انتقال پول در داخل کشور و خرید و فروش ارز و بروات خارجی^(۳۱).

از جمله کارهایی که تجارتخانه جهانیان انجام می‌داد، وصول و ایصال مالیات‌های دولت به مرکز بود و از این طریق، ضمن دریافت کارمزد، گردش امور خزانه دولت را نیز تسهیل می‌نمود^(۳۲). فعالیت تجارتخانه جهانیان توسعه روزافزون داشت و افزون بر فعالیت‌هایی که بدان‌ها اشاره شد، در تأسیس شرکت تلفن ایران هم مذاخله داشت و از موسسان آن بود^(۳۳).

فعالیت تجارتخانه جهانیان، با وجود رقابت‌های شدید، رونق کافی داشت، اما به دلیل آن که فعالیت بانکی توسعه یافت و موجب تشدید رقابت موسسه‌های صرافی بزرگ گردید و همچنین، برادران شاه‌جهان در جنبش‌های آزادیخواهی دخالت ورزیده و برای تشکیل بانک ملی، که در دوره نخست مجلس شورای ملی مطرح بود، کوشش می‌نمودند و در جریان مبارزه مشروطه‌خواهان با محمدعلی‌شاه، مشروطه‌خواهان جواهرات سلطنتی (جواهرات ملی) را نزد بهرام جهانیان به امانت نهاده بودند تا از دسترس محمدعلی‌شاه دور بماند، لذا عناصر مخالف با آزادیخواهان و همچنین، موسسه‌هایی که تشکیل بانک ملی را منافی مصالح خود می‌دیدند، با تمام قدرت برای برانداختن آن تلاش کردند. تجارتخانه جهانیان مدت پنج سال با مشکلات سیاسی و اقتصادی بزرگ مواجه بود و سرانجام، با کشته شدن پرویز شاه‌جهان، مدیر شعبه تهران و تبعید خسرو شاه‌جهان، مدیرکل موسسه به لندن، رشته امور از هم گسیخت و بانک‌های خارجی که فرصتی مناسبتر از این نمی‌یافتند، با دادن اعتبار زیاد و قطع ناگهانی آن، عملیات شرکت را در سال ۱۹۲۱ م / ۱۲۹۱ هـ متوقف ساختند^(۳۴).

تجارتخانه جمشیدیان: موسس تجارتخانه جمشیدیان، یک تاجر زرتشتی به نام ارباب جمشید بود که فعالیت خود را با بزازی و قذق‌فروشی در شهر یزد آغاز کرده بود. وی پس از مدتی، موفق به تأسیس یک دکه برای فروش منسوجات شد و سپس گشایشی در کارش حاصل شد و درستی و امانت او موجب جلب اعتماد مردم گردید و از حدود سال ۱۲۶۵ هـ با به بازار صرافی گذاشت و در اندک زمان، پیشرفت بسیاری نصیبش شد^(۳۵). تجارتخانه جمشیدیان به انواع عملیات صرافی متداول آن روز مبادرت می‌ورزید و با اعطای اعتبار کوتاه‌مدت و بلندمدت، تسهیلاتی را در کار مشتریان خود فراهم می‌ساخت^(۳۶).

بین سال‌های ۱۲۷۰ تا ۱۲۹۰ هـ فعالیت‌های تجارتخانه جمشیدیان رونق بسیار داشت. در این دوره در یزد، شیراز و کرمان شعبه و در بغداد، بمبئی، کلکته و پاریس نمایندگی دایر کرد. پس از کسب رونق و اعتبار، فعالیت خود را به ملکداری تغییر داد و بخشی از سرمایه‌اش را در کشاورزی به کار انداخت و املاک بزرگی را در اطراف تهران، خراسان و فارس

خریداری کرد. به این منظور، مبالغ فراوان از بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی وام دریافت داشت، اما به دلیل سوءمدیریت، عدم تناسب بین ذخیره و میزان بدهی، سرمایه‌گذاری در ملکداری و فشار بانک‌های مزبور از طریق عدم تمدید مهلت پرداخت قرض، عملیات آن متوقف شد^(۳۷).

در سال ۱۲۹۴ هـ دولت توقف تجارتخانه جمشیدیان را اعلام کرد و به منظور جلوگیری از تعلق املاک آن به موسسات خارجی، به موجب قرارداد بیست و پنجم خرداد ۱۲۹۵ که به امضای ارباب جمشید رسید، پرداخت تمام بدهی‌ها را در قبال این موسسات تعهد نمود و جانشین تجارتخانه ارباب جمشید شد و سپس در سال ۱۲۹۹ هـ، محکمه تجارت تهران رسماً توقف موسسه را از سال ۱۲۹۴ تأیید و اعلام کرد^(۳۸).

کمپانی فارس: کمپانی فارس به مدیریت حاج عبدالرحیم شیرازی، در سال ۱۸۹۶ م / ۱۲۷۵ هـ به منظور انجام فعالیت صرافی و تجارت خارجی، در شیراز تأسیس یافت و به زودی محدوده فعالیت خود را توسعه بخشید و در اکثر شهرهای جنوب ایران شعبه و نمایندگی دایر کرد. سرمایه اولیه شرکت ۵۰ هزار تومان بود و مبادلات بسیاری با اروپا داشت^(۳۹).

کمپانی فارس پس از مدتی مورد وثوق و اعتماد همگان و به ویژه بازرگانان قرار گرفت، به گونه‌ای که چک‌های آن در شیراز و اطراف آن همانند اسکناس رواج داشت و بیجک‌های صادره آن در بازار جنوب به صورت کامل رایج بود^(۴۰).

سرانجام، شهرت و مقبولیت کمپانی فارس، نارضایتی بانک شاهنشاهی را برانگیخت و به استناد دارابودن حق انحصاری انتشار اسکناس، در سال ۱۲۸۳ هـ از رواج بیجک‌های کمپانی ممانعت ورزید و کمپانی فارس هم پس از مدتی تلاش ناگزیر تعطیل شد^(۴۱).

شرکت اتحادیه: در سال ۱۸۹۷ م / ۱۳۱۵ هـ ق / ۱۲۷۶ هـ، برای نخستین بار بازرگانان عمده کشور دست همکاری به یکدیگر دادند و شرکتی را تأسیس کردند که توانایی رقابت با بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی را داشته باشد. شرکت اتحادیه با سرمایه ۱۰۰ هزار تومان به دستگیری حاج مهدی کوزه‌کنانی و برادران و حاج سیدمرتضی صراف به منظور انجام فعالیت‌های بانکی در تبریز تأسیس شد. مدیر شرکت حاج لطفعلی، مشهور به اتحادیه که از صرافان پرآوازه تبریز و از بازرگانان باتجربه و باکفایت بود، به زودی اعتماد بازار تبریز و تهران را جلب کرد و امور شرکت را رونق بخشید^(۴۲).

شرکت اتحادیه از ابتدای فعالیت، رقیب سرسخت بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی بشمار آمد و در سال اول فعالیت، با همکاری بعضی از صرافان عمده، مقدار بسیاری اسکناس گردآورد و برای وصول وجه نقد، به بانک شاهنشاهی عرضه داشت. سپس بانک از پرداخت قران نقره عاجز ماند و در نتیجه، حس عدم اعتماد در مردم بروز کرد و ارزش اسکناس‌های بانک تا ۳۰ درصد تنزل یافت. مقامات بانک شاهنشاهی هم ناگزیر شدند که برای جلب مساعدت شرکت، مبالغی را پرداخته و مقداری بروات اودسا را به نرخ پایین‌تر از مظنه روز، به جای قران تحویل دهند و همچنین، شرکت را با

○ موسسات صرافی نسل پیشین، با وجود توسعه عملیات صرافی و بانکی، برای کسب منفعت بیشتر، به امور تجاری و تولیدی و کشاورزی هم پرداختند و همین امر نیز موجب نابودی آنها شد.

○ رونق تجارت موجب می‌شود که بازرگانان معتبری هم به صرافی و بانکداری روی بیاورند.



همزمان با شروع عملیات بانکی در ایران توسط موسسه‌های اعتباری خارجی، موسسات صرافی نیز که از دیرباز جزو لاینفک اقتصاد ایران بودند، به فعالیت بانکی اشتغال ورزیدند.

- بانک در تجارت نقره سهیم کنند. (۴۳).
- فعالیت شرکت اتحادیه در ابتدا به خوبی پیشرفت داشت، ولی پس از مدتی، با موانع مختلف و شرایط نامساعد روبرو شد و از رونق افتاد و سرانجام، پس از پانزده سال، در حدود سال ۱۹۱۲ م / ۱۲۹۱ هـ ش تعطیل شد (۴۴).
- شرکت عمومی ایران:** شرکت عمومی ایران، در سال ۱۸۹۹ م / ۱۲۷۸ هـ ش، با مشارکت ۱۷ نفر از تجار معتبر تهران به منظور انجام عملیات صرافی و بازرگانی (داخلی و خارجی) با سرمایه دومیلیون تومان که ۶۰ درصد آن در سال اول فعالیت شرکت پرداخت شد، تشکیل یافت (۴۵).
- فعالیت عمده این شرکت را عملیات صرافی تشکیل می‌داد و در کنار آن، به امور دیگر نیز مبادرت می‌ورزید. از جمله یک شرکت برای احداث راه آستارا - اردبیل تشکیل داد و بخش عمده سهام آن را خود خریداری کرد و موفق شد که با هزینه ۱۰۰ هزار تومان راه مورد اشاره را احداث نماید و از طریق اجاره، از آن بهره‌برداری کند. فعالیت این شرکت درابتدا رونق داشت، اما پس از مدت کوتاهی، یعنی حدود پنج سال، سوءمدیریت و اختلالات پیش آمده در داخل شرکت سبب از هم پاشیدن آن گردید (۴۶).
- زیر نویس ها**
- ۱) مهدوی، شیرین / زندگینامه حاج محمدحسن کمپانی، امین دارالضرب / ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی حسینیلو / چاپ اول / نشر تاریخ ایران / پاییز ۱۳۷۹ / صفحات ۳۳ و ۴۷.
- ۲) همان / صفحات ۴۷ تا ۴۹.
- ۳) همان / صفحه ۴۹.
- ۴) همان / صفحه ۲۷۶.
- ۵) تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران (۱۳۳۷-۱۳۰۷) / چاپ اول / بانک ملی ایران / شهریور ۱۳۳۸ / صفحه ۱۵، فاتح، مصطفی / پول و بانکداری / مطبوعه روشنایی / ۱۳۰۹ / صفحه ۳۱۸، و صدقی، عباس / اصول بانکداری / چاپ ششم / انتشارات دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی / دانشگاه تهران / ۱۳۵۵ / صفحه ۲۹.
- ۶) رفیعی، احمد / بانک و بانکداری / چاپ اول / ۱۳۵۰ و تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحات ۱۷ و ۱۹.
- ۷) رفیعی، احمد / پیشین / صفحه ۱۰۱، و تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحه ۱۹.
- ۹) رفیعی، احمد / پیشین / صفحات ۱۰۱ و ۱۰۲، و تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحات ۱۹ و ۲۱.
- ۱۰) رفیعی، احمد / پیشین / صفحه ۱۰۲ و ۱۰۳، و تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحات ۱۹ و ۲۱.
- ۱۱) رفیعی، احمد / پیشین / صفحه ۱۰۳، و تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحات ۲۱ و ۲۳.
- ۱۲) رفیعی، احمد / پیشین / صفحه ۱۰۳، و تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحه ۲۶.
- ۱۳) رفیعی، منیژه / بانک در ایران / دانشنامه جهان اسلام / چاپ اول / بنیاد دایرةالمعارف فارسی / ۱۳۷۳ / صفحه ۷۵۴.
- ۱۴) تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحات ۴۶ و ۴۷.
- ۱۵) صدقی، عباس / پیشین / صفحات ۲۹ و ۳۰.
- ۱۶) همان / صفحات ۳۰ و ۳۱.
- ۱۷) ربیعی، منیژه / پیشین / صفحه ۷۵۴، و تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحه ۴۷.
- ۱۸) فاتح، مصطفی / پیشین / صفحات ۳۱۹ و ۳۲۰ و ربیعی، منیژه (پیشین) صفحه ۷۵۴، و تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحات ۴۷ و ۴۸.
- ۱۹) فاتح، مصطفی / پیشین / صفحه ۳۲۰.
- ۲۰) همان / صفحه ۳۲۰، و تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحه ۴۶.
- ۲۱) تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحه ۴۸، و فاتح، مصطفی / پیشین / صفحه ۳۲۰.
- ۲۲) فاتح، مصطفی / پیشین / صفحه ۴۸، و تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحه ۴۸.
- ۲۳) تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحه ۴۹.
- ۲۴) همان / ۲۷، ۲۸ و ۲۹ / صفحه ۴۹.
- ۲۹) همان / صفحات ۴۹ و ۵۰، و فاتح، مصطفی / پیشین / صفحات ۳۲۰ و ۳۲۱.
- ۳۰) تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحه ۵۰، و معتضد، خسرو / حاج‌امین‌الضرب / تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران / چاپ اول / انتشارات جانزاده / بهمن ۱۳۶۶ / صفحه ۶۴۳.
- ۳۱) تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحه ۵۰.
- ۳۲) همان / صفحه ۵۰.
- ۳۳) همان / صفحات ۵۰ و ۵۱.
- ۳۴) همان / صفحه ۵۱، و ربیعی، منیژه / پیشین / صفحه ۷۵۴.
- ۳۵) تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحه ۵۱.
- ۳۶) همان / صفحه ۵۱.
- ۳۷) همان / صفحات ۵۱ و ۵۲، و ربیعی، منیژه / پیشین / صفحه ۷۵۴، و معتضد، خسرو / پیشین / صفحه ۶۴۲، و فاتح، مصطفی / پیشین / صفحه ۳۲۱.
- ۳۸) تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحه ۵۲.
- ۳۹) همان / صفحه ۵۲، و اشرف، احمد / موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه / چاپ اول / انتشارات زمینه / خرداد ۱۳۵۹ / صفحه ۷۶، و جمالزاده، سیدمحمدعلی / گنج شایگان / چاپ دوم / کتاب تهران / خرداد ۱۳۶۲ / صفحه ۹۸.
- ۴۰) جمالزاده، سیدمحمدعلی / پیشین / صفحه ۹۸، و اشرف، احمد / پیشین / صفحه ۷۷، و تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحه ۵۲.
- ۴۱) ربیعی، منیژه / پیشین / صفحه ۷۵۴، و تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحه ۵۲.
- ۴۲) تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحه ۵۳، و اشرف، احمد / پیشین / صفحه ۷۶، و ربیعی، منیژه / پیشین / صفحه ۷۵۴، و جمالزاده، سیدمحمدعلی / پیشین / صفحه ۹۸.
- ۴۳) همان / ۴۴ و ۴۵ / تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحه ۵۳، و جمالزاده، سیدمحمدعلی / پیشین / صفحه ۹۸.
- ۴۶) جمالزاده، سیدمحمدعلی / پیشین / صفحه ۹۹، و تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران / پیشین / صفحه ۵۳.